

گزارش

گزارش علمی شرکت در همایش بین‌المللی زبان‌شناسی ایرانی

دومین همایش بین‌المللی زبان‌شناسی ایرانی در روزهای جمعه ۲۶ مرداد ۱۳۸۶ تا پایان روز یکشنبه ۲۸ مرداد در مؤسسه مطالعات آسیا و آفریقای دانشگاه هامبورگ در کشور آلمان برگزار شد. در این همایش بیش از پنجاه تن از استادان و متخصصان زبانهای ایرانی از کشورهای مختلف حضور داشتند. در مراسم افتتاحیه همایش، آقای دکتر لودویک پاول (Ludwig Paul) استاد بخش مطالعات ایرانی مؤسسه مطالعات آسیا و آفریقای دانشگاه هامبورگ پس از خوش‌آمدگویی به شرکت‌کنندگان، اعلام کرد که تحقیقات مربوط به زبانهای ایرانی در گذشته همواره در حاشیه همایش‌های ایران‌شناسی مطرح می‌شده است، حال آنکه این شاخه خود نیازمند توجه مستقل است. همایش‌های بین‌المللی زبان‌شناسی ایرانی برای پاسخ‌گویی به این نیاز برگزار می‌شود. نهادهای برگزارکننده همایش عبارت بودند از دانشگاه هامبورگ (آلمان)، دانشگاه کیل (آلمان)، مؤسسه تحقیقاتی مکس پلانک (آلمان)، دانشگاه آریزونا (آمریکا)، و دانشگاه دولتی کالیفرنیا (آمریکا). در این همایش مجموعاً ۲۹ مقاله به صورت سخنرانی به زبان انگلیسی ارائه گردید. سخنرانی‌ها حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی با تاکید بر زبانها و گویشهای ایرانی را شامل می‌شد، از جمله، نحو، گفتمان و کاربردشناسی زبان، رده‌شناسی، قرض‌گیری زبانها، صرف، زبان‌شناسی تاریخی-تطبیقی، زبان‌شناسی رایانه‌ای و ترجمه ماشینی. موضوع سخنرانی این نگارنده «قلمروهای نحوی و نظریه‌های زبان‌شناختی: شواهدی از زبانهای ایرانی» بود که در روز اول همایش ایراد گردید. در ذیل گزیده‌ای از محتوای سه سخنرانی ارائه شده در همایش معرفی می‌شود تا خوانندگان تاحدی با فضای علمی آن گردهمایی آشنا شوند.

یکی از مقاله‌های در خور توجه همایش را دکتر دونالد استیلو پژوهشگر ارشد مؤسسه تحقیقاتی مکس پلانک ارائه کرد. چارچوب نظری و کلان مقاله «رده‌شناسی منطقه‌ای» (areal typology) بود و مشخصاً از مواردی از همپوشی‌های زبانی در مناطقی از ایران سخن گفت. این پژوهشگر سالها تجربه تدریس زبان فارسی در دانشگاههای مختلف آمریکا را دارد و بیش از چهل سال است که در موضوع زبانهای ایرانی تحقیق می‌کند. رساله دکتری او دربارهٔ وُفسی، یکی از زبانهای شاخهٔ غربی-شمالی زبانهای ایرانی، است که هم اکنون در چهار روستا در استان مرکزی ایران (حوالی اراک و ساوه) به آن گفتگو می‌شود. وی در سال ۲۰۰۵ میلادی کتابی با عنوان قصه‌های وُفسی که حاوی داستانهای محلی وُفسی است، در آلمان منتشر کرده است. این قصه‌ها را حدود چهل سال پیش پژوهشگر دیگری بنام دکتر الول ساتن (Elwell Sutton) که انگلیسی بوده و بیست و سه سال پیش در گذشته در وُفس ضبط کرده و دکتر استیلو آنها را از روی نوار آوانویسی کرده و ترجمهٔ آنها را به زبان انگلیسی به دست داده است. اصل این نوارها هم اکنون در آرشیو دانشگاه گوتینگن آلمان نگهداری می‌شود. دکتر استیلو علاوه بر وُفسی در بارهٔ گیلکی، مازندرانی و تالشی نیز تألیفات و تحقیقاتی دارد.

دونالد استیلو در سخنرانی خود مؤلفهٔ «حرف اضافه» (adposition) شامل «پیش‌اضافه» (preposition)، «پس‌اضافه» (postposition). و «پیرااضافه» (circumposition) را به عنوان مؤلفه‌ای از «مرز همگویی» (isogloss) مبنا قرار داده بود و نتایج ذیل را با توجه به آن مؤلفه به دست داد.

جوهرهٔ نکتهٔ بینی دکتر استیلو این بود که در ایران سه منطقهٔ زبانی کلان قابل تشخیص است: در منطقهٔ زبانی شمال، زبانها اساساً «پس‌اضافه‌ای» اند، مانند گیلکی، مازندرانی، و تالشی. به غیر از این زبانها، زبان ترکی نیز پس‌اضافه‌ای است. شاهد زیر از تالشی جنوبی (ماسوله‌ای) مؤید این مطلب است:

- 1) mθn hæsa-é=ko sef=θm vi-getæ
I Hassan-OBL=from apple=1S₂ preverb-took
"I got an apple from Hassan."

از سوی دیگر، در منطقهٔ زبانی جنوب، زبانها اساساً پیش‌اضافه‌ای اند، مانند زبان فارسی، لری-بختیاری، و لارستانی. مثال زیر کاربرد پیش‌اضافه را در لارستانی (گویش لار) نشان می‌دهد:

- 2) ma æz hæsaen sib om=geret
 I from Hassan apple 1S₂=took
 "I got an apple from Hassan."

در منطقهٔ زبانی سوم که وی آن را «منطقهٔ همپوشی» (overlap zone) نامید و تصریح کرد که در آثار پیشین خود آن را buffer zone نامیده، شاهد وضعیت زبانی آمیخته هستیم. به بیانی روشن‌تر در این منطقهٔ زبانها و گویشهای رایج در مؤلفهٔ مرز همگویی مورد بحث (یعنی حرف اضافه) وضعیتی آمیخته دارند. در زبانها و گویشهای این منطقهٔ زبانی (الف) هم «پیش‌اضافه» وجود دارد و هم «پس‌اضافه»، (ب) علاوه بر آن «پیرااضافه» نیز معمولاً مشاهده می‌شود، و (ج) «پیش‌اضافه‌هایی» دیده می‌شود که کارکرد «پس‌اضافه‌ای» نیز دارند (یعنی دو نقشی‌اند).
 به عنوان نمونه، وی از وضعیت زبانی قهرودی به عنوان گویشی در منطقهٔ همپوشی سخن گفت که هم «پیش‌اضافه» دارد و هم «پس‌اضافه».

قهرودی:

پس‌اضافه	پیش‌اضافه
-dær «در، به، از»	æz- «از»
-ra «به، برای»	xod- «با»
-row «از، بیرون»	la- «در، درون»

سخنران برای نشان دادن وجود «پیرااضافه» در زبانها و گویشهای این منطقه، نمونه‌های ذیل را به ترتیب از وفسی (تاتی جنوبی)، ابیانهای (گروه گویشهای مرکزی) و گزی (گروه گویشهای مرکزی) به دست داد.

وفسی:

- 3) zer miz-i=dæ hár=om-venda
 under table-OBLIQUE-LOC PREVERB=1S₂-found
 "I found it under the table."

ابیانهای:

- 4) bæ zömun qedim=dær telefon næ-bö
 ALLAT/LOC time old-LOC telephone NEG-was
 "In the old times, there were no telephones."

گزی:

- 5) **düm** zemin=**de** vel=až ke
 on ground=LOC/ABLAT release=3S₂ did
 “He let it go on the ground.”

گزی:

- 6) mo **æz** adem-a in šazde=**de** bé-fæ:ma-yan...
 I from person-PL this prince=LOC/ABLAT PUNCT-
 understood-1S₂
 “I understood from this prince’s people (that...)”

مثالهای ۷ تا ۱۱ کارکرد دو نقشی de و də را در نقش پس‌اضافه و پیش‌اضافه در میمه‌ای و
 وفسی نشان می‌دهند:

میمه‌ای:

- 7) ye γze mast sebil=**es=de** mala bo
 a bit yogurt moustache=3S₂=LOC rub.PAST was

وفسی:

- 8) yey zærræ mast siʻil=**es=dæ** mala ve
 a bit yogurt moustache=3S₂=LOC rub.PAST was
 “A bit of yogurt was stuck (stative) on his moustache.”

میمه‌ای:

- 9) ye γze mast **de** sebil=**es** be-mala
 a bit yogurt ALLAT moustache=3S₂ TAM-rub.PAST

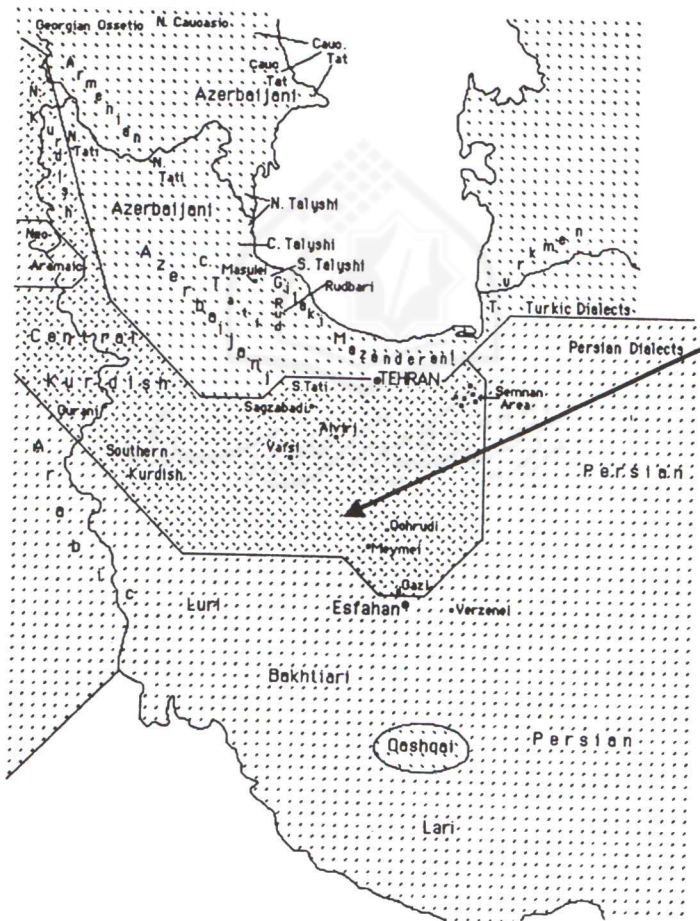
وفسی:

- 10) yey zærræ mast **dæ** siʻil=**es** də'-mala
 a bit yogurt ALLAT moustache=3S₂ PREVERB-rub.PAST
 “He rubbed some yogurt on(to) his moustache.”

وفسی:

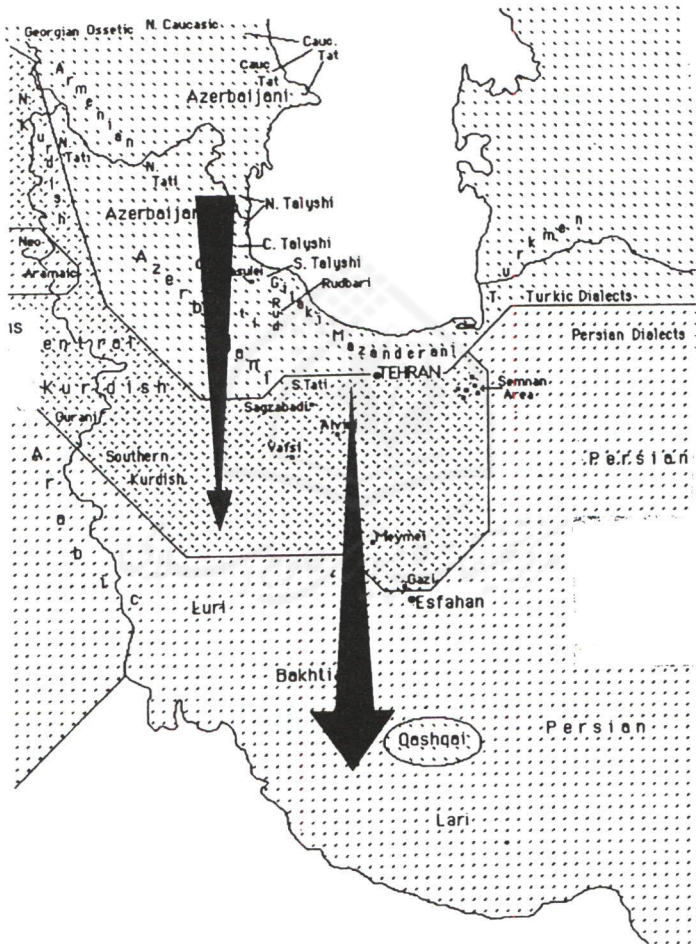
- 11) ku'gæ bæ'ssæ dæ zer míz-i
 cat(f.) PUNCT-went-3S₂ ALLAT under table-OBLIQUE
 "The cat went under the table."

نقشه (۱) وضعیت این سه منطقه زبانی را براساس مؤلفه مرز همگویی «حرف اضافه» (شامل «پیش‌اضافه»، «پس‌اضافه»، «پیرااضافه»، و «دو نقشی») نشان می‌دهد. در این نقشه نشانه پیکان منطقه زبانی همپوشی را مشخص کرده است.



نقشه ۱. سه منطقه زبانی براساس مؤلفه مرز همگویی حرف اضافه

نکتهٔ دیگری که سخنران در ادامهٔ بحث بر آن تأکید داشت این بود که در منطقهٔ «همپوشی» هرچه به سوی منطقهٔ زبانی شمال، یعنی منطقه‌ای که رخداد «پس‌اضافه» در آن غالب است، نزدیک می‌شویم تعداد پس‌اضافه‌ها نسبت به پیش‌اضافه‌ها افزون‌تر می‌شود. همچنین در این منطقه هر چه به سمت جنوب پیش می‌رویم از تعداد پس‌اضافه‌ها کاسته می‌شود و بر تعداد پیش‌اضافه‌ها افزوده می‌شود. نقشهٔ (۲) این روند افزایش و کاهش را نشان می‌دهد.



نقشهٔ ۲. روند افزایش و کاهش پس‌اضافه‌ها و پیش‌اضافه‌ها

در پایان، دکتر استیلو جدول آماری ذیل را ارائه کرد که مبتنی بر تحلیل ده دقیقه‌گفتارگوشوران

تعدادی از زبانها و گویشهای رایج در منطقه «همپوشی» است. همچنان که در جدول مشاهده می‌شود هرچه از منطقهٔ زبانی شمال به سوی منطقهٔ زبانی جنوب پیش می‌رویم بسامد رخداد پیش‌اضافه‌ها و پس‌اضافه‌ها برعکس می‌شود. به عنوان نمونه، ماسوله‌ای که در منطقهٔ زبانی شمال واقع است فاقد پیش‌اضافه است حال آنکه ورزنه‌ای که در منطقهٔ زبانی جنوب قرار دارد برعکس فاقد پس‌اضافه است. زبانهای واقع در منطقهٔ همپوشی بسته به منطقهٔ دقیق جغرافیائی خود، حالت آمیخته‌ای از پیش‌اضافه و پس‌اضافه دارند.

جدول ۱: جدول آماری بسامد رخداد پیش‌اضافه و پس‌اضافه در سه منطقهٔ زبانی

پس‌اضافه (به درصد)	پیش‌اضافه (به درصد)	حرف اضافه نام زبان/گویش
۱۰۰	۰	ماسوله‌ای
۸۲٫۷	۱۷٫۳	سگزآبادی
۴۱٫۵	۵۸٫۵	وفسی
۳۲٫۸	۶۷٫۲	ابوزیدآبادی
۳۷٫۹	۶۲٫۱	قهرودی
۳۱٫۳	۶۸٫۷	ایبانه‌ای
۲۵٫۶	۷۴٫۴	تاری
۲۸٫۸	۷۱٫۲	میمه‌ای
۲۳٫۵	۷۶٫۵	اردستانی
۲۳٫۲	۷۶٫۸	نائینی
۲۳٫۵	۷۶٫۵	انارکی
۱۰٫۱	۸۹٫۹	گزی
۰	۱۰۰	ورزنه‌ای

دکتر لودویک پاول در سخنرانی خود از تحول تاریخی و توزیع کاربرد پسوندهای صفت‌سازی (-ī) و -ین (-īn) در دورهٔ فارسی نو سخن گفت.

وی این دو پسوند را پسوند «پدیده‌های مادی» خواند و در آغاز سخنرانی نمونه‌های ذیل را به

دست داد:

اسم	صفت با پسوند -ین (فارسی قدیم)	صفت با پسوند -ی (فارسی معاصر)
آهن	آهنین	آهنی
چرم	چرمین	چرمی

وی دربارهٔ پیشینهٔ تاریخی و ریشه شناختی پسوند -ین اظهار داشت که این پسوند در فارسی میانه (قرون سوم تا هفتم میلادی) به صورت -ēn تلفظ می‌شده است.

فارسی میانه:

āhan-ēn «از آهن»
 asēm-ēn «از نقره/سیم»
 sag-ēn «از سنگ»

آنگاه صورتهای آن را در ایرانی باستان (Old Iranian)، قرون ششم تا چهارم پیش از میلاد -aina- و -aēna- اعلام کرد و برای آن یک شاهد از زبان فارسی باستان و یک شاهد از زبان اوستا به دست داد:

asaⁿ gaina- فارسی باستان: «از سنگ»
 zaranaēna- اوستا: «از طلا»
 hama-nāfaēnī- اوستا: «از یک خانواده و نژاد (در مورد اسبها)»

دکتر پاول در ادامهٔ بحث از جایگزین شدن پسوند -ī- (>فارسی میانه -īg-) به جای پسوند -īn- (>فارسی میانه -ēn-) سخن گفت.

وی معتقد است در دورهٔ فارسی میانه واژهٔ ābīg «از آب، مانند آب» جایگزین ābēn به همان معنا شده بود. او منتخبی از اسمهایی را که پسوندهای -īn- و -ī- را می‌پذیرند در گروههای معنایی ذیل دسته‌بندی کرد:

مواد جامد: آهن، بلور، چوب، فولاد، گل، مرم، نمک، روی، سنگ، سیم، زر
 پوشاک: ابریشم، چرم، پشم
 مایع: شیر، خون
 غیره: آتش، رنگ، عنبر

آنگاه براساس اطلاعات مندرج در سه فرهنگ واژه نما و بسامدی مربوط به اشعار فردوسی، سعدی، و حافظ جدول (۲) را از کاربرد پسوند -īn- و -ī- در این آثار به دست داد.

جدول ۲. بسامد رخداد پسوندهای -ین و -ی در سه اثر کلاسیک فارسی

واژه	فردوسی: -ین	-ی	سعدی: -ین	-ی	حافظ: -ین	-ی
ابریشم	-	-	-	-	-	-
عنبر	۳	۱	۵	۱	۲	۱
آهن	۴۰	۵	۴	۱	-	-
آتش	-	۲	۲	۱	۴	-
بلور	۲	-	۱	-	۱	-
چرم	-	-	-	-	-	-
چوب	۲	-	۱	-	-	-
فولاد	-	-	-	-	-	-
گِل	-	-	-	-	-	-
مرمر	-	-	-	-	-	-
نمک	-	-	-	-	-	-
پشم	۳	-	-	-	۲	-
رنگ	۱۰	-	۳	-	۹	-
روی	۳۰	-	۲	-	-	-
سنگ	۲	۷	۶	۲	۵	-
سیم	۳۰	-	۱۵	-	۲	-
شیر	۳۰	-	۹۰	-	۳۰	-
خون	۲۰	۱۵	۴	-	۱۰	-
زر	۱۰۰	-	۲	-	۳	-

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود بسامد رخداد پسوند صفت‌ساز -ین در متون کلاسیک زبان فارسی بسیار افزون‌تر از کاربرد پسوند صفت‌ساز -ی است. سخنران در ادامه از کاربرد پسوند -ین در زبان فارسی معاصر صحبت کرد و تصریح کرد که این پسوند در این گونهٔ زبانی لایه‌های معنایی جدید پذیرفته است. شواهد او به شرح ذیل‌اند:

- شیرین، سنگین، رنگین (که حاوی معانی تازه‌اند؛ مقایسه کنید با کاربرد مادی آن با پسوند صفت‌ساز -ی: شیری، سنگی، رنگی).

- سیمین، زرین (اسمهای خاص؛ صفت‌های مادی امروزه با پسوند -ی ساخته می‌شود: نقره‌ای، طلایی، سیمی).

- آهنین، خونین (کاربرد استعاری یا ادبی یافته‌اند).

همچنان که نمونه‌های زیر نشان می‌دهند صفت‌هایی که با -ی ساخته می‌شوند مادی‌اند، حال آنکه همزاد آنها با پسوند -ین کاربرد استعاری دارند:

کارکرد استعاری	کارکرد مادی
دیوار آهنین، ارادهٔ آهنین	در آهنی
چهارشنبهٔ خونین	پرتقال خونی

دکتر پاول در بخش آخر سخنرانی خود شواهد بیشتری از کاربرد پسوند -ین و -ی در فارسی معاصر ارائه کرد. جدول (۳) نشان می‌دهد که پسوند -ی پسوند صفت‌ساز با پدیده‌های مادی است، در صورتی که پسوند -ین اگر اصولاً در فارسی معاصر کاربرد داشته باشد کاربرد آن ادبی و کهنه‌مآبانه است.

جدول ۳. کاربرد پسوندهای -ی و -ین در فارسی معاصر

واژه	-ی (صفت مادی)	-ین
ابریشم	ابریشمی	ادبی/کهنه
آهن	آهنی	استعاری، ادبی/کهنه
آتش	آتشی	؟
بلور	بلوری	ادبی/کهنه
چرم	چرمی	ادبی/کهنه
چوب	چوبی	ادبی/کهنه
فولاد	فولادی	فولادین/پولادین: ادبی/کهنه
گِل	گلی	ادبی/کهنه
مرمر	مرمری	ادبی/کهنه
نمک	نمکی	نمکین «جذاب» (ادبی/کهنه)
پشم	پشمی	ادبی/کهنه
رنگ	رنگی	رنگین
سنگ	سنگی	سنگین
سیم	سیمی	سیمین (اسم خاص)
شیر	شیری	شیرین (و نیز اسم خاص)
خون	خونی	خونین (استعاری)، ادبی/کهنه

سخنران معتقد بود که از قرنهای ۱۱ و ۱۲ میلادی/قرنهای ۵ و ۶ هجری شمسی به بعد شاهد تحولی هستیم که در آن پسوند صفت‌ساز -ین کم کاربرد شد و پس از قرن ۱۴ میلادی/قرن ۸ هجری شمسی زبانی خود را از دست داد.

خرده‌ای که به سخنران وارد است این است که وی شواهد متون ادبی کلاسیک (رک. جدول ۲) را با داده‌های فارسی معاصر گفتاری و نوشتاری می‌سنجد (رک. جدول ۳)، حال آنکه می‌توانست برخی متون قدیمی نزدیک به زبان گفتار، مانند سمک عیار را نیز در بررسی خود ملحوظ بدارد. او خود به این خرده اذعان داشت و در پاسخ گفت وی در این بررسی متونی را در نظر داشته که برای آنها فرهنگ واژه‌نما و بسامدی وجود دارد.

سخنران دیگری که به جنبه‌ای از تحول تاریخی زبان فارسی پرداخت خانم دکتر آگنس کورن (Agnes Korn) استاد دانشگاه فرانکفورت در کشور آلمان بود. خانم دکتر کورن متخصص زبان بلوچی است. او آثار ارزشمندی دربارهٔ این زبان ایرانی نگاشته است. با توجه به آثار این زبان‌شناس، وی را می‌بایست شخصیتی توصیف کرد که هم به زبانهای ایرانی نو علاقه‌مند است و هم به جنبه‌های تحول تاریخی آن زبانها. خانم دکتر کورن در سخنرانی خود از «پیدایش ساختهای که آیا در بندهای پیرو پرسشی زبان فارسی» سخن گفت. وی ابتدا از کارکرد که (کی در فارسی قدیم) به عنوان نشانهٔ بند پیرو، بند موصولی، و نقل قول یاد کرد و در تأیید این کارکردها مثالهای ذیل را ارائه کرد:

نشانهٔ بند پیرو:

۱۲) شنیدم که او خواهد آمد.

نشانهٔ بند موصولی:

۱۳) کسی که تو دیده‌ای امروز رفت.

نشانهٔ نقل قول:

۱۴) پسر گفت (که) من یک روز زبان‌شناسی خواهم خواند.

وی در ادامه از کارکرد آیا در زبان فارسی امروز به عنوان نشانهٔ پرسشی سخن گفت. او تصریح کرد که منشأ این نشانه تاکنون ناشناخته مانده است. آنگاه شواهدی از کاربرد این نقش نمای دستوری از زبان فارسی امروز و متون کلاسیک فارسی به دست داد.

۱۵) (آیا) آن پسر زبان‌شناسی می‌خواند؟

۱۶) آیا تو هرگز آن چهار لالهٔ آبی را بوئیده‌ای؟

(۱۷) آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند آیا بود که گوشهٔ چشمی به ما کنند

در نمونهٔ زیر امکان حضور همزمان که و آیا دیده می‌شود.

(۱۸) (او) پرسید (که) (آیا) (من) زبان‌شناسی خوانده‌بودم.

در مثال ذیل کارکرد آیا ... آیا در نقش عنصر همپایه ساز مشاهده می‌شود.

(۱۹) نمی‌دانم آیا برود آیا نرود.

سخنران آنگاه بیت‌های زیر را از یکی از چاپ‌های شاهنامهٔ فردوسی (فولرس [Vullers II:921])

ارائه کرد که در آن ترکیب که آیا به کار رفته و تصریح کرد که این ترکیب فقط یکبار در کل این نسخه دیده شده است:

(۲۰) فرو ماند وز کارش آمد شگفت بسی با دل اندیشه اندر گرفت

که آیا بهشت است یا بزمگاه سپهر برین است یا چرخ ماه

دکتر کورن معتقد است این کاربرد مربوط به نسخه‌های بعدی است و نه متعلق به نسخهٔ اصلی.

وی در تایید نظر خود به چاپ انتقادی مسکو از شاهنامه اشاره کرد و بیت دوم را از آن نسخه نقل کرد که در مثال (۲۱) آمده است.

(۲۱) که تا این بهشت است یا رزمگاه سپهر برین است گر تاج و گاه

وی سپس نمونه‌هایی از کاربرد یا در فارسی نو ارائه کرد که دو مورد آن در مثال‌های (۲۲) و

(۲۳) نقل شده است.

(۲۲)

مانده‌ام سخت عجب گز چه سبب ساخت مرا

یا چه بوده است مراد وی ازین ساختنم

(۲۳) شما تشریف میارید یا نه.

او بر این باور است که صورت یا در فارسی نو مشتق از صورت æyab به معنای «یا» در

فارسی میانه است. مثال‌های (۲۴) و (۲۵) دو مورد از چهار نمونه‌ای است که سخنران از این کاربرد ارائه کرد.

24) *ud nē dānēd kū dōš ka man bē āmad ham*

and-not-know.3SG-SUB-yesterday-when-I-PTC- come-have. 1SG

ānōh būd ayāb nē

there-was. 3SG-AYAB-not

“And s/he does not know: When I came yesterday, was it there [already] or not?”

25) ...*tā (...)* *wāspuhr (...)* *wēnam (...)*, *agar zīwandag ayāb murdag.*

that- (...)-Waspuhr-see. 1SG - (...)- if- living- AYAB - dead

“... that I may see Waspuhr, whether/either alive or dead.”

دکتر کورن در بخش پایانی سخنرانی خود اشتقاق ذیل را به عنوان «اشتقاق محتمل» برای شکل‌گیری آیا در فارسی نو پیشنهاد کرد. به نظر او آیا از ترکیب آ که در دوره فارسی نو وجه را نشان می‌داده و یا پدید آمده است. در مثالهای (۲۶) و (۲۷) این کارکرد -آ مشاهده می‌شود. در مثال دوم گفتا آغاز نقل قول را نشان می‌دهد.

(۲۶) گفت همانا این استا خذای من

(۲۷) گفتا کجاست عشق بگفت اندرین بر است.

جان کلام تحلیل پیشنهادی او در واقع یک «باز تحلیل» (reanalysis) است که در مثال (۲۸) دیده می‌شود. در این مثال -آ در واژه گفتا از فعل جدا شده و با حرف ربط یا ترکیب شده و در نتیجه صورت آیا شکل گرفته است.

(۲۸) گفتا یا بزرگ است یا کوچک <گفت آیا بزرگ است یا کوچک.

در مجموع سخنرانیهای ارائه شده در دومین همایش بین‌المللی زبان‌شناسی ایرانی سطح علمی بسیار خوبی داشت. در اجلاس پایانی همایش در مورد چاپ تمام مقاله‌ها یا منتخبی از آنها نیز گفتگو و بحث شد، ولی تصمیم قطعی و نهایی در این خصوص اتخاذ نشد.

دکتر محمد دبیرمقدم

دانشگاه علامه طباطبایی